

## اثری که به مخاطب فرصت قضاوت می دهد

کارگردان «اعتراف‌ها و دروغ‌ها» با اشاره به چالش قضاوت در پایان اثر نمایشی برای تماشاگران، عنوان کرد؛ این نمایش پس از پایان، تازه برای مخاطب آغاز می‌شود، چون این رسالت تئاتر است. بهیمان محسنی، کارگردان این نمایش که در عمارت نوفل لوشاتو روی صحنه است به مهر گفت؛ بعد از ۱۲ سال کار در عرصه بازیگری تئاتر، فیلم کوتاه و سینمای بلند به کارگردانی اثری رسیدیم که دغدغه‌مند است.

وی درباره شیوه اجرای این نمایش عنوان کرد؛ ابتدا چهار برگه رأی با نام شخصیت‌های نمایش به تماشاگران داده می‌شود. این شخصیت‌ها که مرتکب بزه شده‌اند، مقابل مخاطبان اعتراف می‌کنند و شرایط و موقعیت خود را در آن زمان شرح می‌دهند. بعد از پایان اجرا، تماشاگران رای خود را درباره بخشیدن یا نبخشیدن آنها در صندوق می‌اندازند. در این اثر مخاطب فرصت قضاوت پیدا می‌کند و چالشی

برای آنها خواهد بود. این کارگردان و بازیگر تئاتر تاکید کرد؛ انسان در خلوت خود بزرگ‌ترین قاضی اعمال خویشی است، از این رو در نمایش به‌دنبال چرایی این مسأله در وجود مخاطبان بودم. مخاطب وقتی قرار است قاضی شود باید مانند بازسازی صحنه، در متن کار قرار گیرد و ما تلاش کردیم شاهد بازسازی صحنه‌های قتل برای امکان قضاوت بهتر باشیم.



یک آهنگ استفاده شد...

**[۱] مینی‌بوس در کل روایتی ساده اما درگیرکننده‌ای دارد و این نوع پردازش چه مفهومی دارد؟**

بله درست است روایت ساده به نظر می‌رسد چراکه برای مخاطب داستان نمایشنامه و برخی کاراکترها آشنا به نظر می‌رسند و قابل لمس هستند. در هنگام نوشتن، من و بارسقیان مشخصاً و آگاهانه به این فکر کردیم که اصلاً هنر تئاتر را وارد نمایشنامه نکنیم و به اصطلاح متن روشنفکری نباشد و به زندگی عادی و معمولی مردم اطراف‌مان بپردازیم.

**[۲] آیا شادی باعشق دوران نوجوانی‌اش ازدواج می‌کند یا پایان کاملاً بازااست؟**

هم در خود نمایشنامه و هم اجرا، نتیجه باز است. اما نظر شخصی خود من این است که این عشق سرانجام خوشی ندارد. به نظر من آدم‌ها وقتی مدت‌ها از هم دورند و بعد به هم رجوع می‌کنند، دیگر آدم‌های سابق نیستند و همان طور که همه چیز در بیرون تغییر کرده، درون آنها نیز دچار دگرگونی شده است چراکه تجربیات زیادی را از سر گذرانده‌اند.

من گاهی فکر می‌کنم

بعد از دیدار میان

فرهاد و شادی،

دیگر آنهاقراری نخواهند داشت.



برش

### ادامه یک همکاری چندساله

همکاری با آراز بارسقیان، تجربه دلنشینی بود. این نمایشنامه را دو سال قبل با بارسقیان نوشتیم. در روزهای آخر پاییز، اوایل زمستان بود. مینی‌بوس متنی بود که خیلی درباره‌اش صحبت کرده بودیم و برای نوشتنش از چند سال قبل منتظر فرصت بودیم. ابتدا روی طرح نمایشنامه کار کردیم و به محض کامل شدن، مشغول نوشتن شدیم. زمستان عجیبی بود. هر دو حال روحی‌مان خوب نبود. لحظاتی که می‌نوشتیم من حال بهتری پیدا می‌کردم. در زمینه طراحی صحنه نیز با هم همکاری داشتیم؛ این‌که صحنه به چند بخش تقسیم و بازی‌ها در این مناطق انجام شود.

**صندلی و فرمان بازی می‌شود. هدف‌تان از این طراحی مینی‌مال چه بوده‌است؟**

هنگام نگارش متن به اجرای آن هم فکر می‌کردیم. بزرگ‌ترین چالش‌مان طراحی ماشین بود. پس از مدتی تأمل همراه بارسقیان به این شکل از ماشین رسیدیم. این طراحی، ما را از رئالیسم دور می‌کند و جنبه‌های تئاتریکالیته اجرا را تقویت می‌کند که دقیقاً مدنظر ما بود. من در اجراهای گذشته بیشتر از دکورهای حجیم استفاده می‌کردم.

طراحی فضای مینی‌مالیستی برایم تجربه خوبی بود. حتی نور چندان کارکرد فنی‌ای در ارائه‌اجراندارد و این هم عامدانه بوده، چون به طراحی خاصی نیاز نداشت و باتوجه به نوع اجرا، سالی و البته رفت و آمدهای زمانی، نیاز دراماتیکی به نور نداشتیم.

**[۱] این سادگی را هم در طراحی لباس می‌بینیم که خیلی ساده از دهه۶۰ تا امروز را در بر گرفته؟**

بله درست است. در صحبت‌هایی که با طراح لباس نمایش، خاتم شگری داشتیم، به توافق رسیدیم که لباس‌ها در عین این‌که منعکس‌کننده زمان‌های مختلفی باشد اما آن‌قدر هم متنوع نباشند که برای بازیگر دست‌وپاگیر شود.

تنها کاراکتر شادی است که چند تعویض لباس دارد. نکته دیگر این‌که نمی‌خواستیم در طراحی لباس‌های مربوط به گذشته افراط شود و خیلی به چشم بیاید. لباس‌ها کلاً در راستای کار بود و ساز جداگانه‌ای نمی‌زنند.

**[۲] اما این شیوه مینی‌مال در جایی به کار لطمه زده، مثلاً از موسیقی برای القای موضوع عشق و نوستالژی آن گونه که باید بهره نگرفته‌اید؟**

من اصولاً موقع کار روی متن به موسیقی فکر می‌کنم، صداها و موسیقی‌هایی را که از متن تراش می‌کنم، می‌شنوم. اصلاً در کار با آهنگساز هم خودم عمدتاً جاهایی را که به موسیقی نیاز دارد مشخص می‌کنم. در برخی از نمایشنامه‌هایم حتی در خود متن به نام آهنگ اشاره شده. البته در کارهای مشترک با بارسقیان او ایده‌های جالبی برای موسیقی دارد و همیشه انتخاب‌هایش خوب است. تک آهنگ این نمایش هم انتخاب اوست که در متن چایی مینی‌بوس هم آمده. در اجرای نمایش مینی‌بوس به دلیل رفت‌وبرگشت‌های زمانی بی‌دریی و حجم دیالوگ‌ها چندان فرصتی برای موسیقی باقی نمی‌ماند. البته به این مسأله هم توجه داشتیم که از موسیقی استفاده‌ای در جهت فضای نوستالژیک نکنم تا به این طریق بخواهم احساسات مخاطب را برانگیزم. در تنها صحنه‌ای که حس عاشقانه عمیقی وجود داشت، صحنه انتهای نمایش است که از

**مینی‌بوس، نوشته آراز بارسقیان با کارگردانی غلامحسین (فرشید) دولت‌آبادی این روزها در تالار مشایخی ساعت ۲۰ اجرا می‌شود. این نمایش راوی دعوایی از سال ۶۴ است که با خرید یک مینی‌بوس بین پدر و دایی شروع می‌شود و سال‌ها ادامه دارد.**

**همین موضوع عامل جدایی خانواده‌ها می‌شود تا روزگار امروز اما با مهاجرت فرزندان و بازگشت آنها به وطن، این کینه قدیمی رنگ و روی دیگری به خود می‌گیرد. با فرشید دولت‌آبادی نویسنده، پژوهشگر، کارگردان و مدرس دانشگاه درباره این نمایش گفت‌وگویی کرده‌ایم که می‌خوانید.**



رضا آشفته گروه فرهنگ و هنر

**[۱] آیا مینی‌بوس می‌خواهد همان احساس نوستالژیک در دهه ۶۰ را برای ما یادآوری کند؟**

واقعیت این است که هدف از نگارش نمایشنامه مینی‌بوس و اجرای آن، یادآوری نوستالژیک دهه ۶۰ نیست. بلکه بخش قابل‌توجهی از وقایع نمایشنامه صرفاً در آن زمان اتفاق می‌افتد.

یعنی اوصاف‌بدین نبوده که با استفاده از نوستالژی آن دهه باعث جذب مخاطب شویم. ولی اصولاً چه در نمایشنامه‌هایی که با بارسقیان و چه در آثاری که به تنهایی نوشته‌ام، زمان گذشته چه در زندگی روزمره و چه به عنوان تاریخ معاصر برایم اهمیت به‌سزایی دارد. من شخصا بخشی از ذهنیتم در تاریخ و زمان گذشته و نقد و تحلیل آن می‌گذرد. تاریخ و سیر وقایعی که بر سر ما می‌رود، وضعیت کنونی ما را می‌سازد. نمایش مینی‌بوس فارغ از جنبه‌های نوستالژیک، به پوچی تاریخ‌اشاره دارد. پوچی در روابط انسانی و خانوادگی، دعوا و مشارجات بی‌ارزش و هدر دادن فرصت‌های زندگی و با هم بودن. امروز که به گذشته نگاه می‌کنیم به سیر زندگی خود، خانواده و اطراف‌مان به غیر از حس از دست رفتن دوران سپری‌شده، احساس تلخی نیز به ما دست می‌دهد، مینی‌بر از دست دادن آدم‌هایی که می‌توانستیم بیشتر باهم باشیم و باهم دوران خوبی را سپری کنیم.

**[۲] چرا شیوه روایی را برای این روایت خانوادگی انتخاب کردید؟**

من شیوه روایی را در برخی دیگر از نمایشنامه‌های دیگرم هم به کار بردام. هم به این شیوه تعلق خاطر دارم و هم فکر می‌کنم شیوه مناسبی برای خروج از رئالیسم و ایجاد انقطاع است. انقطاع به معنی گریز از زمان خطی است. ضمناً در کنار شیوه روایی، ساختار اپیزودیک و نمایشنامه‌نویسی بر مبنای اپیزود، همیشه موردتوجه من بوده است. اصولاً ذهن من در نمایشنامه‌نویسی بر همین مبنای اپیزودیک است. شیوه روایی و ساختار اپیزودیک از نظر من مکمل یکدیگر است. در همین نمایش مینی‌بوس، اپیزودهای زیادی در کنار هم قرار می‌گیرد و روایت آنها را به هم پیوند می‌زند.

**[۳] چرا به موضوع عشق و تابویی که در گذشته داشت امروز این تابو برداشته می‌شود یا نگاه انتقادی نگاه کرده‌اید؟**

البته درک من از سؤال شما مربوط به دوره زمانی در رابطه فرهاد و شادی است. همان‌گونه‌که احتمالاًخودمان هم در دوره نوجوانی تجربه کرده‌ایم منظوم دهه‌های ۶۰ و ۷۰ است، عشق‌های نوجوانانه عمدتاً با منع مواجه بود. حالا که فرهاد بزرگ شده و اختیارشان دست خودشان است، دوباره به هم می‌پیوندند. ما برای این مورد در نمایشنامه‌نویسی اصطلاحی تحت عنوان تفکیک احباب داریم که یکی از عناصر طرح است و دقیقاً به همین نوع از جدایی‌ها اشاره دارد.

البته اکنون دیگر فرهنگ خانواده‌ها و جامعه تغییر یافته و برخورد در مقابل چنین عشق‌هایی متفاوت شده است. به نظر می‌رسد شادی در عوالم نوجوانی و در آغاز جوانی با توصیه‌های پدر و مادرش و البته برای دوری کامل از فرهاد و قطع ناگهانی عشقی که به‌خاطر اختلافات خانوادگی بر سر مینی‌بوس پیش‌آمده به آمریکا می‌رود. به نظر می‌رسد آمریکا یک انتخاب آزادانه نبوده و حالا شادی که دیگر بار زندگی را زمین گذاشته از زیر یوغ زندگی



**در هنگام نوشتن مشخصاً و آگاهانه به این فکر کردیم که نمایشنامه به اصطلاح متن روشنفکری نباشد و به زندگی عادی مردم اطراف‌مان بپردازیم**



چهره

## تالار سایه، میزبان نمایش جدید بابک پرهام



نمایش «سالومه» به نویسندگی و کارگردانی بابک پرهام که پیش از این در کارگاه نمایش اجرا شد، برای دومین بار در سالن سایه روی صحنه خواهد رفت. روابط عمومی مجموعه تئاترشهر اعلام کرد نمایش سالومه که پیش از این در کارگاه نمایش به صحنه رفته و با استقبال مخاطبان و منتقدان مواجه شده بود با تغییر سالن اجرا در تالار سایه این مجموعه به صحنه خواهد رفت. سالومه، داستان معروف عهد عتیق است که اسکار وایلد هم نمایشنامه‌ای بر همین اساس نوشته و فیلمی هم از روی آن ساخته شده است.

این اثر مونولوژی است که تکبیسا عقیایی بر آن ایفا می‌کند و امیر شفיעی به عنوان مشاور و علیرضا آل داوود به عنوان تهیه‌کننده در این اثر حضور دارند.

داستان این اثر درباره عشق نافرجام سالومه، دختر هرود یاست که در زندان، عاشق صدای یحیای تعمید‌دهنده می‌شود اما با طرد شدن از سوی یحیی، کینه او را به دل می‌گیرد و از پدر درخواست سر بریده یحیی را می‌کند.

نمایش سالومه ساعت ۲۰ و ۱۵ دقیقه به مدت ۴۰ دقیقه و قیمت بلیت ۱۲۰هزار تومان به صحنه خواهد رفت.

صحنه

## «بودن» در عمارت نوفل لوشاتو



نمایش «بودن» به کارگردانی عاطفه تهرانی و تهیه‌کنندگی داوود نامور از دوشنبه، چهارم دی ساعت ۱۸ و ۱۵ دقیقه با مدت زمان ۴۵ دقیقه در عمارت نوفل لوشاتو، روی صحنه می‌رود. همزمان با آغاز پیش‌فروش نمایش بودن به کارگردانی عاطفه تهرانی و تهیه‌کنندگی داوود نامور، پیش‌فروش بلیت‌های این نمایش برای سه روز اول با ۳۰ درصد تخفیف ارائه شده است. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به سایت تیوال یا عمارت نوفل لوشاتو، بلیت این نمایش را تهیه کنند. عاطفه تهرانی پس از ۱۰ سال دوری از بازیگری و تمرکز بر حرفه طراحی حرکت و کارگردانی، در قامت بازیگر با این نمایش به صحنه تئاتر برمی‌گردد. داوود نامور (تهیه‌کننده)، عاطفه تهرانی (بازیگر)، بهزاد افضایی (مشاور کارگردان)، سارا صادقی (دستیار کارگردان و برنامه‌ریز)، علی کیانیان (موسیقی)، الهام شعبانی (طراح لباس)، فرزاد هدایت‌نوری (طراح صحنه)، فرشاد نصیری (طراح نور)، حجت حاج عبداللهی (طراح مینیگن)، صادق حسینی (طراح پوستر)، بهروز داوری (ساخت تیزر و موشن‌گرافیک)، مرتضی رنجبران (مشاور رسانه‌ای) و صدرا صباچی (مدیر تبلیغات) دیگر عوامل این اثر نمایشی هستند.

خبربین

عملیات اجرایی حريم بزرگ‌ترين مجموعه هنري پاينخت آغاز شد

### امنيت؛ ارمغاني براي تئاترشهر

سه دهه از برچيده شدن حصار بزرگ‌ترين مرکز نمايشي کشور يعني تئاترشهر می‌گذرد؛ اشتباهي که اهالي تئاتر خیلی زود متوجه آن شدند و از سال ۸۲ بازطراحي حصارى برای این مجموعه که ثبت ملی شده، مطرح شد و با وجود پیگیری های مختلفی که مدیریت‌های گذشته این مجموعه‌نمایشی داشتند اما به بار ننشست. با توجه به معضلاتی که در سال‌های اخیر در اطراف تئاترشهر رخ داده که از فروش مواد مخدر و کارتن خوابی تا چاقوکشی و تیراندازی را شامل می‌شود، زمینه تصریح این موضوع فراهم شده و روز گذشته با حضور وزیر ارشاد و جمعی از اهالی تئاتر مانند سیاوش طهمورث، داریوش ارجمند، جهانگیر الماسی، محمود بنفشه‌خواه، آتش تقی‌پور، هوشنگ توکلی، کاظم هزیرآراد، مجید قناد و ... کلنگ حصار دور تئاتر شهر به زمین خورد تا این پروژه ۲۰ میلیاردي به سرانجام برسد.

### بزرگ‌ترين دغدغه‌های هنرمندان تئاتر

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم با اشاره به آغاز عملیات اجرایی حريم مجموعه تئاترشهر به‌عنوان بزرگ‌ترين مجموعه هنري در پاينخت گفت؛ با این عملیات، یکی از بزرگ‌ترين دغدغه‌های هنرمندان برطرف خواهد شد.

وی با اشاره به طرح حريم هنري تئاترشهر گفت؛ بیش از ۲۴ سال از برداشته شدن این حريم می‌گذرد. این مجموعه بحثی به لحاظ میراثی داشت و اتفاق هایی باید در حوزه شهرداری می‌افتاد که استدلال‌های ما را پذیرفتند و ایجاد حريم باطراحي مهندسان داخلی شکل گرفت. اسماعیلی افزود؛ خوشحالم که این کار به سرانجام رسید. این مجموعه در اختیار همه مردم ایران و هنرمندان است. تئاترشهر قلب تپنده هنر تهران و ایران است و با همه وجود تلاش می‌کنیم مشکلات داخل مجموعه برطرف شود که طرح بهسازی آن هم آماده است.



محمود سالاری، معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم با اشاره به آغاز عملیات اجرایی حريم هنري تئاترشهر گفت؛ شایسته است از حمایت‌ها و همدلی‌های هنرمندان تشکر کنم و اهالی رسانه کمک‌کنند تا شیرینی این اتفاق به کام ما بنشیند.

### آرژوی ۲۰ ساله جامعه تئاتر

داریوش ارجمند، هنرمند پیشکسوت سینما، تلویزیون و تئاتر نیز در این مراسم گفت؛ من متعلق به تئاتر شهرستانم اما معتقدم تئاترشهر، این بنای زیبا باید حفظ شود. امیدوارم این مجموعه واقعا تئاترشهر متعلق به همه مردم و هنرمندان باشد. این بازیگر پیشکسوت افزود؛ ما باید به طرف مردم برویم. همه‌جای دنیا همین‌گونه است. هنرمندان کمک مردم را می‌خواهند. درست نیست که همه نیازهای هنرمندان را دولت بدهد. تا وقتی مردم نباشند و هنر را دوست نداشته باشند، هنر ارزش ندارد. از وزیر فرهنگ تشکر می‌کنم که باعث شد این آرژوی ۲۰ ساله جامعه تئاتر محقق شود تا مردم با شغف وارد عرصه تئاترشهر شوند. ایرج راد، رئیس هیأت‌مدیره خانه تئاتر هم در بخش بعدی این مراسم گفت؛ تئاترشهر برای همه هنرمندان جایگاه ویژه و ارزشمندی دارد. زمانی پیشنهادهای خوبی صورت گرفت تا از تئاترشهر تاروکی به‌عنوان پهنه رودکی نامگذاری و فضاهای فرهنگی و هنری و جایگاه‌هایی برای فروش آثار هنری ایجاد شود که تا مین اعتبار هم شد اما به نتیجه نرسید. سال‌ها بود به‌دنبال این بودیم که حريم تئاترشهر متناسب با ارزش تئاتر باشد. زیرالمنی وامنيت برای تماشاگران و هنرمندان تئاتر وجود نداشت. خوشحالم که قرار است این مهم محقق و این عرصه ساخته شود.

قاب



## تروریست‌ها در کارگاه نمایش

**نمایش «ترو» به کارگردانی جواد رازقندی این روزها در کارگاه نمایش تئاترشهر روی صحنه است.**

**داستان این نمایش که تا ۱۲ دی اجرا دارد، درباره چهار نفر از اعضای گروهک تروریستی است که در پی چند عملیات دچار اختلاف و سوءتفاهم تشکیلاتی شده و اقدام به تسویه‌حساب‌های شخصی می‌کنند. در این نمایش انوش معظمی، رستا شروی، سعید رضایی، مرجان امینی راد، میلاد صفوی، ساحل عزیزاده و حمیدرضا نوری بازی می‌کنند. فرشاد مجرب، مجری طرح این نمایش است و دستبازی کارگردان و برنامه‌ریزی آن برعهده مریم فتحی‌زاده است.**